

کانون الهیات مؤده

درس اشعيا

رويای اشعيا در (۶: ۱-۸)

خدا قدوس است

استاد:

کامبیز سقانی

منصور خواجهپور

دانشجو: مهدی پروانی نیساری

تاریخ تحویل: 11.10.2024

مقدمه

مفهوم قدوسیت خداوند یکی از مهم‌ترین و محوری‌ترین مباحث در الهیات کتاب مقدس است. قدوسیت به معنای جدایی و متمایز بودن خدا از هرگونه آلودگی و نقص، یکی از ویژگی‌های ذاتی اوست که در تمام جنبه‌های زندگی ایمانی نمایان می‌شود. این صفت الهی نه تنها در ذات خدا، بلکه در ارتباط او با مخلوقات، فرشتگان، انبیاء، و شریعت نیز دیده می‌شود. انسان به تنهایی قادر به درک کامل قدوسیت نیست و تنها از طریق آشکار شدن فیض الهی می‌تواند به شناختی عمیق از این صفت برسد. این موضوع نقش کلیدی در هدایت انسان به سوی شناخت بهتر خداوند، توبه و تطهیر روحی ایفا می‌کند.

خدا قدوس است

خدا در سراسر کتاب مقدس، ابعاد مختلفی از شخصیت خود را آشکار کرده است، که آنها را می‌توانیم خصوصیات خدا بنامیم. خدایی که قائم به ذات، جاودانی، حکمت کامل، دارای تعالی، وفاداری، نیکو، پرمحبت، قادر مطلق و غیره است. اما یکی از خصوصیات اصلی او قدوسیت وی می‌باشد. اینکه خدا در ذات خود قدوس است.^۱ واژه یونانی *hagios* که به مفهوم مقدس یا قدوس است که در زبان عبری کادوش *qadosh* خوانده می‌شود که ریشه آن و به معنای «جداشده» و «داشتن تعلق یا ارتباط با الوهیت» دارد. عهد عتیق مثل (هوشع ۱۱: ۹) اعلام می‌دارد که خدا قدوس است. در عهد جدید نیز در (یوحنا ۱۷: ۱۱) تایید این موضوع را می‌بینیم. در جلال او مقدس بودن او را درک می‌کنیم و از این موضوع قدوسیت الهی به پیرامونش انتقال می‌یابد؛ از جمله در فرشتگان، انبیاء، برگزیدگان، معابد، شریعت و غیره دیده می‌شود. از طریق کار عیسی مسیح و ساکن شدن روح القدس در شخصی که به عیسی ایمان می‌آورد، ما نیز مقدس می‌گردیم.^۲ خدا می‌خواهد که به عنوان قدوس شناخته شود. در وضع قوانین و شریعتی که در عهد عتیق داده شده است و اینکه نسبت به اسم او بی‌حرمتی نباید می‌شد؛ همه اینها به این دلیل است تا همه بتوانند جلال او را به بهترین شکل نمایش دهند که نشان از قدوسیت وی می‌باشد.^۳ انسان به تنهایی قادر به شناخت قدوسیت خدا نیست. و برای پی بردن به این قدوسیت نیاز دارد که خدا خود را آشکار سازد. خدا از طریق آشکار ساختن جلال خود، نشان می‌دهد که حضور مقدس دارد. هر چیزی در این هستی می‌تواند نشان‌دهنده تقدس خدا باشد. همین خدای عظیم و دست‌نیافتنی، فاصله‌ای که میان خود و مخلوقاتش است را از بین می‌برد.^۴ امیل برونر اینطور بیان نموده است: «قدوسیت طبیعت و ذات خداست، که او

^۱ گرگ اوگدن، میانی شاگردسازی، انتشارات پارس ۲۰۲۲. ص ۶۲

^۲ گزاویه لنون دوفور، فرهنگ عهد جدید، انتشارات ایلام ۲۰۱۶. ص ۳۸۲

^۳ گزاویه لنون دوفور، فرهنگ الهیات کتاب مقدس، انتشارات ایلام ۲۰۲۰. ص ۳۹۴

^۴ همان منبع، ص ۳۹۳

را از هر چیز دیگر متمایز می‌کند. قدوسیت کیفیتی نیست که بین خدا و سایر موجودات مشترک باشد. بلکه چیزی است که او را به طور مطلق و آشکارا از هر چیز دیگر متمایز می‌سازد.^۵

رویای اشعیا

در سالی که عزای پادشاه درگذشت، اشعیا رویایی را دید. در این رویا با به تصویر کشیده شدن اشعیا در حضور خدا، داستان دعوتش را کاملاً متفاوت از انبیای دیگر کرده است و تجربه این نبی را نشان می‌دهد که به پرستش، ادراک و در نهایت به اقدام منجر می‌شود. این داستان از اشعیا، خدایی که در تختی بزرگ نشسته است را نشان می‌دهد، زیرا که تنها او شایسته پرستش و جایگاه بالا می‌باشد. او قدوس است که یعنی منزه از هر بدی می‌باشد و از این رو اشعیا در حضور خدا احساس بی‌ارزشی می‌کند. مسئله قدوسیت خدا ذاتی است و ارتباط با جلال او دارد.^۶ عزیا پادشاه، در اسرائیل که ۵۲ سال سلطنت با خداترسی انجام داده بود و قومش را در امنیت نگاه داشته بود، حال مرده بود و نگرانی‌هایی به چشم می‌خورد. و از این رو خدا نشان می‌دهد که او تخت‌نشین و پادشاه است.^۷ این تجربه اشعیا نشانی از تجربه و رویای یوحنا در کتاب مکاشفه است که (مکاشفه ۴: ۱ - ۱۱) مشاهده نموده بود. قرار داشتن آن تخت سلطنت در بلندی نشان از تعالی خدا دارد که عظمت او بی‌پایان است. و دامن اشاره به لبه یا حاشیه پر جلال خداوند است که معبد را فرا گرفته است. معبد یا هیکل که جسمی بر روی زمین است ولی نشان‌دهنده رویایی و رای زمین می‌باشد که تخت سلطنتی خدا در معبد آسمانی قرار دارد.^۸

سرافین یعنی موجودات آتشین، دارای بال شبیه به انسان توصیف شده‌اند که دارای دست و پا می‌باشند. اما مقصود از این توصیف هم به قدوسیت خدا است که این موجودات درخشان و بی‌گناه هم در حضور خدا متحیر هستند، و نه می‌توانند او را ببینند و نه دیده شوند. در این حال به خدمت خدا هستند و او را می‌ستایند.^۹ هر کدام از آنها شش بال داشت و از چهار بال خود برای پوشاندن بدنشان استفاده کرده بودند. در حضور پر جلال او فریاد بلند کرده و او را به نام قدوس وصف می‌کردند. اشعیا با دیدن خدای قدوس، به ناپاکی و گناهکار بودن خودش بیشتر پی برد. و واژه «وای» که برای داوری به کار می‌برد را برای خود استفاده کرد. دیدن قدوسیت و درک از آن، ما را به شناخت بیشتر از خود و توبه هدایت می‌کند. و فرشته خدا با ذغال افروخته‌ای به سوی نبی خدا پرواز می‌کند و لبان او را با آتش لمس می‌کند تا از گناهانش مبرا شود.^{۱۰}

^۵ گرگ اوگدن، میانی شاگردسازی، انتشارات پارس ۲۰۲۲. ص ۶۶

^۶ گوردون مک کانویل، بررسی عهد عتیق انبیا، انتشارات پارس ۲۰۲۳. ص ۵۸

^۷ دانیل ایکن، تفسیر مسیح‌محور اشعیا، سازمان خدمات مسیحی مزده. ص ۱۵

^۸ جان مک‌آرتور، تفسیر عهد عتیق، Grace to You ۲۰۲۰. ص ۹۶۸

^۹ دی ای کارسون، تفسیر کتاب مقدس انبیا، انتشارات ایلام ۲۰۲۰. ص ۲۳

^{۱۰} دانیل ایکن، تفسیر مسیح‌محور اشعیا، سازمان خدمات مسیحی مزده. ص ۱۶

نمونه دیگری که از این سرافین می‌بینیم در (مکاشفه ۴: ۶) است که به چهار موجود زنده اشاره شده است که به کروبیان نام‌برده در (حزقیال ۱۰: ۱) شباهت دارد. آنان شش بال دارند که با دو بال چهره خود را می‌پوشانند چون جرات نگاه مشتقیم به خدا را ندارند. و دو بال دیگر پاهای آنان را می‌پوشاند که نشان‌دهنده ناچیز بودنشان در مقابل ندا می‌باشد. و با دو بال دیگر نیز پرواز می‌کنند و آن تخت‌نشین را خدمت می‌کنند. فرشتگان سه بار فریاد می‌زنند «قدوس، قدوس، قدوس» که معنای این سه‌بار بیان را در یونانی trihagion می‌گویند که به جدایی و مستقل بودن خدا از خلقت سقوط کرده‌اش اشاره دارد. و همین‌طور به سه‌گانه بودن خدا یا تثلیث نیز اشاره دارد.^{۱۱}

رویای اشعیا به طرز دردناکی او را از گناهکار بودنش مطلع می‌سازد و او را در هم می‌شکند و به این شکل اشعیا برای پاک شدن آماده شده است. و این ذغال داغ و آتشی که نشان از پاکی می‌باشد برای توبه او می‌آید که نشان‌دهنده دردناکی توبه می‌باشد. و اشعیا در تواضع و فروتنی در حضور خدای قدوس، زمانی که خدا می‌گوید «چه کسی از جانب ما خواهد رفت؟» و واژه ما دوباره نشانی از تثلیث می‌باشد؛ که اشعیا در جواب می‌گوید: «مرا بفرست!»^{۱۲} قدوسیت خدا باعث می‌شود که در حضور او به گناه و ناپاکی خود پی ببریم. و پاک‌کنندگی اشعیا توسط ذغال آتشین نشان از فیض و رحمت خدا نسبت به اشعیا بوده است. نشانی از کار عیسی مسیح بر صلیب است که برای گناهان ما انجام داد. از طریق زخمهای او ما شفا می‌یابیم (اشعیا ۵۳). قدوسیت و محبت خدا در تضاد با همدیگر نیستند. محبت خدا به این مفهوم که ما او را بشناسیم و امکان ماندن در حضورش را داشته باشیم و در بستر تقدس است که می‌توانیم محبت او را درک کنیم.^{۱۳}

نتیجه‌گیری

در نتیجه، قدوسیت خداوند به عنوان یکی از برجسته‌ترین صفات الهی، او را از تمامی مخلوقات متمایز و منزله از هر گونه نقص و آلودگی می‌سازد. این قدوسیت در سراسر کتاب مقدس، هم در عهد عتیق و هم در عهد جدید، تأیید شده و به روشنی نمایانگر پاکی و جلال اوست. مواجهه با این صفت الهی، همچون تجربه اشعیا، نشان می‌دهد که شناخت قدوسیت خدا برای انسان به تنهایی ممکن نیست و انسان تنها از طریق آشکار شدن جلال و فیض الهی می‌تواند به درک عمیق‌تری از آن دست یابد. این شناخت ما را به درک عمیق‌تری از گناه و نیاز به تطهیر هدایت می‌کند. همچنین، قدوسیت خداوند در تضاد با محبت او نیست؛ بلکه از طریق قدوسیت است که محبت او معنا می‌یابد و انسان را به سوی توبه و پذیرش رحمت الهی سوق می‌دهد. بدین ترتیب، قدوسیت خدا انسان را به تسلیم در برابر خدا و جستجوی پیوند نزدیک‌تر با او وادار می‌کند، و از طریق فیض و رحمت الهی، امکان پاکی و حضور در جلال او فراهم می‌شود.

^{۱۱} جان مک‌آرتور، تفسیر عهد عتیق، Grace to You، ۲۰۲۰. ص ۹۶۸

^{۱۲} همان منبع. ص ۹۶۹

^{۱۳} گرگ اوگدن، مبانی شاگردسازی، انتشارات پارس ۲۰۲۲. ص ۶۶

منابع:

- ایکن، دنیل، سیاوش جبرائیل. *تفسیر مسیح محور اشعیا*. سازمان خدمات مسیحی مژده.
- اوگدن، گرگ. لورنس یادگاری. *مبانی شاگردسازی*. انتشارات پارس ۲۰۲۲.
- دوفور، گزاویه لئون. عیسی دیباج. *فرهنگ الهیات کتاب مقدس*. انتشارات ایلام ۲۰۲۰.
- دوفور، گزاویه لئون. نادر فرد. *فرهنگ عهد جدید*. انتشارات ایلام ۲۰۱۶.
- کارسون، دی ای. آرمان رشدی. *تفسیر کتاب مقدس انبیا*. انتشارات ایلام ۲۰۲۰.
- مک‌آرتور، جان. *تفسیر عهد عتیق*. انتشارات Grace to You ۲۰۲۰.
- مک‌کانویل، گوردون. رامین بسطامی. *بررسی عهد عتیق انبیا*. انتشارات پارس ۲۰۲۳.